

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

عنوان رساله:

ساختار نحوی خود اصلاحی در محاوره زبان فارسی

نگارنده:

ابوالقاسم محرابی

استادان راهنما:

جناب آقای دکتر مصطفی عاصی

جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم

رساله برای دریافت درجه دکترای در رشته زبانشناسی همگانی

بهمن ۱۳۸۸

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: ساختار نحوی خوداصلاحی در محاوره زبان فارسی		
نویسنده/محقق: ابوالقاسم محرابی		
مترجم: _____		
استادان راهنما: جناب آقای دکتر مصطفی عاصی، جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم استادان داور: سرکار خانم دکتر رقیب‌دوست (داخلی)، جناب آقای دکتر آقاگلزاده (خارجی)		
کتابنامه: دارد	واژه‌نامه: دارد	پیوست: دارد
نوع پایان‌نامه: بنیادی ■	توسعه‌ای □	کاربردی ■
مقطع تحصیلی: دکتری	سال تحصیلی: ۱۳۸۸-۸۹	
محل تحصیل: تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی		
تعداد صفحات: ۴۳۳	گروه آموزشی: زبان‌شناسی	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: خوداصلاحی، قسمت تشخیص اصلاح، قسمت نیاز به اصلاح، قسمت در حال اصلاح، بازیابی		
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: self-repair, initiation segment, repaired segment, repairing segment, recycle		
<p><b>چکیده:</b></p> <p>الف) موضوع و طرح مسئله: رساله حاضر به بررسی و توصیف ساختار نحوی خوداصلاحی در محاوره زبان فارسی اختصاص دارد و در پی کشف انواع عملکردهای خوداصلاحی، قلمرو بازیابی و رابطه میزان قلمرو بازیابی با ویژگی‌های رده شناختی است.</p> <p>ب) پیشینه تحقیق: در تاریخچه مطالعاتی اساساً به سه موضوع اصلی پرداخته شده است: (۱) ویژگی‌های</p>		

ساختاری و عملکردهای اصلاحی آنها، (۲) سازمان نحوی خوداصلاحی (۳) مطالعات بین‌زبانی برای تعیین میزان 'قلمرو بازیابی' با توجه به ویژگی‌های نحوی و رده‌شناختی زبانها. مطالعاتی در زبان‌شناسی رایانه‌ای و روانشناسی زبان نیز صورت پذیرفته‌است.

ج) مفاهیم و مبانی نظری و روش انجام تحقیق: چارچوب اتخاذ شده 'تجزیه و تحلیل گفتگو' است که به بررسی موشکافانه گفتگوهای تعاملی می‌پردازد. این مطالعه به بررسی مورد به مورد نمونه‌های خوداصلاحی براساس مفاهیم و اصول تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی سنتی و اصول تجزیه و تحلیل گفتگو پرداخته‌است. اولین گام، مجهز شدن به داده‌های آوانگاری شده از گفتگوهای تعاملی واقعی است. دومین گام، کشف نمونه‌های 'خوداصلاحی' بر اساس خصوصیات صوری و سومین گام، تجزیه و تحلیل آنها براساس خصوصیات نقشی است. در گام بعدی، تمام نمونه‌ها برجسته می‌شوند و بخشی از متن که در بردارنده خوداصلاحی می‌باشد، به منظور ارائه پایه و مبنایی برای تجزیه و تحلیل‌های کامل و دقیق، برگزیده و با صدای آن بخش در 'برنامه فایل میکرو ۷' قرار داده می‌شوند. برای هر نمونه سابقه و شماره واحدی وجود دارد و مشخصه‌های مربوط به آن کدگذاری می‌شود. مجموعاً ۵۰۰ نمونه به این طریق تجزیه و تحلیل می‌شوند که به عنوان "نمونه‌های کدگذاری شده" در این رساله مطرح هستند.

د) نتایج: پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو فصل 'ساختار خوداصلاحی' و 'عملکردهای خوداصلاحی' این نتایج حاصل شد: از ۵۰۰ نمونه بررسی شده، بازیابی ساده با ۲۰۰ مورد در مقام اول، جایگزینی ساده با ۱۰۰ مورد در مقام دوم، 'افزایش' با ۹۹ مورد در مقام سوم، جایگزینی قابداری با ۵۹ مورد در مقام چهارم و تولید دوباره ساده با ۱۵ مورد، حذف با ۱۴ مورد و تولید دوباره قابداری با ۹ مورد از نظر تعداد و درصد رخداد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در این زبان هیچگونه خوداصلاحی ساختوازی اتفاق نیفتاده و جایگزینی هم به صورت بی‌قاب و هم به صورت قابداری رخ داده که از نظر بسامد، اولی مرجح است. هیچ موردی در خصوص عملکردهای اصلاحی افزایش و حذف ثبت نشد که بدون بازیابی باشد. این فرضیه که قلمرو بازیابی در سطح بند است، رد شد. زیرا از تعداد ۵۰۰ نمونه، ۴۴۹ مورد در سطح سازه و فقط ۵۱ مورد به صورت ترکیبی رخ داده که از این تعداد فقط در چهار مورد فعل با نهاد ترکیب شده است. و آخر اینکه، 'الگوهای خوداصلاحی' در زبان فارسی تحت تأثیر 'ویژگی‌های رده‌شناختی' این زبان قرار ندارند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای رساله و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنمای اول:

نام استاد راهنمای دوم:

سمت علمی:

سمت علمی:

نام دانشکده:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

تقديم به کسی که به من کلمه ای آموخت

و مرا بنده خویش نمود.

تقديم به روح والدينم.

و

تقديم به فرزندانم عادلہ، اميرضا و

مائده

## تشکر و قدردانی

به حق می‌توان گفت که اگر رهنمودها و دلگرمی‌های مدیریت محترم گروه زبان‌شناسی جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم، چه در مراحل تصویب طرح و چه در حین انجام تحقیق، نمی‌بود این کار الآن به این مرحله نرسیده‌بود. کسی که هر چند به عنوان مشاور رساله از ایشان نام‌برده‌می‌شود، ولی خیلی بیشتر از مسئولیت گروه و مشاوره برای به ثمر رساندن این کار زحمت کشیده‌اند. علاوه‌برآن، بیشتر آنچه را که در زمینه زبان‌شناسی در دوره کارشناسی ارشد و دکتری آموخته‌ام از محضر این استاد والامقام بوده‌است و اگر لایق باشم تا آخر عمر تشنه راهنمایی‌ها و آموزه‌های این بزرگوار خواهم‌بود. از راهنمایی‌های جناب آقای دکتر مصطفی عاصی و جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده کمال بهره را بردم که با متانت و شکیبایی بسیار رساله را مطالعه و نکات مهم و آموزنده‌ای را ارسال نمودند. از جناب آقای دکتر جان رید<sup>۱</sup> مدیر گروه زبان‌شناسی دانشگاه آکلند که اجازه‌دادند در مدت ۷ ماه اقامتم از تمام امکانات آنجا استفاده‌کنم، بسیار متشکرم. از خانم دکتر فی وک<sup>۲</sup> نیز که حامی اصلی این طرح می‌باشند، بسیار متشکرم که، قبل از عزیمتم، تمام مقاله‌ها، کتاب‌ها و رساله‌های مربوط به این زمینه را از طریق پست الکترونیکی ارسال نمودند و در مدت اقامتم در آکلند، ضمن بهره جستن از کلاس درس ایشان، از آموزش‌های لازم برای انجام تحقیق برخوردار بودم. از داوران ارجمند جناب آقای دکتر آقاگلزاده و سرکار خانم دکتر رقیب‌دوست نیز کمال تشکر و امتنان را دارم. در نهایت از کلیه اعضای هیئت علمی گروه، مسئولین و کارمندان دانشگاه و دانشکده و همچنین همکلاسی‌هایم ممنونم که مرا در این مدت، تحمل نمودند.

---

<sup>۱</sup> -John Read

<sup>۲</sup> -Fay Wouk

## چکیده:

این رساله از شش فصل برخوردار است. در فصل اول، اهداف تحقیق بیان می‌شوند که عبارتند از: (۱) توصیف کاملی از 'خوداصلاحی' و انواع آن، (۲) بررسی 'قلمرو بازیابی' در زبان فارسی و بسامد نسبی بازیابی انواع سازه‌های متفاوت، (۳) بررسی 'بازیابی' و 'جایگزینی' در صرف مقید، (۴) بررسی الگوهای نحوی خوداصلاحی جایگزینی، (۵) بررسی الگوهای نحوی خوداصلاحی 'افزایش' و 'حذف'، (۶) بررسی روابط بین الگوهای خوداصلاحی و ویژگیهای رده‌شناختی. با توجه به این اهداف سه سؤال اصلی مطرح می‌شود: (۱) چه نوع 'خوداصلاحی‌هایی' در محاوره زبان فارسی رخ می‌دهد؟ (۲) 'قلمرو بازیابی' در زبان فارسی چیست؟ (۳) چه همبستگی بین 'اصلاح' با دیگر 'ویژگیهای رده‌شناختی' زبان فارسی وجود دارد؟

فصل دوم به پیشینه تحقیق اختصاص دارد. در تاریخچه مطالعاتی اساساً به سه موضوع اصلی پرداخته شده است: (۱) ویژگیهای ساختاری و عملکردهای اصلاحی (نقش آنها)، (۲) سازمان نحوی خوداصلاحی (۳) مطالعات بین‌زبانی برای تعیین میزان 'قلمرو بازیابی' با توجه به ویژگی‌های نحوی و رده‌شناختی زبانها. مطالعاتی در زبان‌شناسی رایانه‌ای و روانشناسی‌زبان نیز صورت پذیرفته است.

در فصل سوم به مفاهیم و مبانی نظری و روش انجام تحقیق پرداخته می‌شود. چارچوب اتخاذ شده 'تجزیه و تحلیل گفتگو' است. تجزیه و تحلیل گفتگو رویکردی است که به 'تجزیه و تحلیل موشکافانه' تعاملاتی می‌پردازد که به صورت طبیعی رخ داده باشند و هم از نظر روش گردآوری داده‌ها و هم از نظر تجزیه و تحلیل آنها متمایز از دیگر روشهای تحقیقاتی است. به این دلیل که در این رویکرد هیچ چیزی قبل از تجزیه و تحلیل بی‌ارزش نیست و محقق در آوانگاری به تمام جزئیات مربوط به سازمان گفتگو توجه دارد. این رویکرد در تضاد با بیشتر روشها در زبان‌شناسی امروزی است که اغلب، جملات جدا جدا بیرون کشیده می‌شوند و یا حتی توسط خود تجزیه و تحلیلگر ساخته می‌شوند تا منابع دادگانی مناسب و کافی برای توصیف و تبیین نظریه‌های زبانی فراهم شود. تجزیه و تحلیل گره‌های گفتگو، بر عکس اکثر زبان‌شناسان زایشی، بر اهمیت مطالعه نمونه‌هایی تأکید ورزیده‌اند که در کاربرد زبان واقعی وجود دارند.

این تحقیق، به بررسی مورد به مورد نمونه‌های خوداصلاحی براساس مفاهیم و اصول تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی سنتی و اصول تجزیه و تحلیل گفتگو پرداخته می‌شود. پیکره از چهار ساعت و پنجاه دقیقه گفتگوی تعاملی واقعی تشکیل شده است. بنابراین، اولین گام، مجهز شدن به داده‌های آوانگاری شده از این گفتگوهاست. دومین گام، کشف نمونه‌های 'خوداصلاحی' در آن داده‌ها

بر اساس خصوصیات صوری است. سومین گام، تجزیه و تحلیل خوداصلاحی براساس خصوصیات نقشی است. در گام بعدی، تمام نمونه‌های قابل تشخیص، در متن‌های آوانگاری برجسته و آن بخش از متن که در بردارنده خوداصلاحی می‌باشد، به منظور ارائه پایه و مبنایی برای تجزیه و تحلیل‌های کامل و دقیق، برگزیده و به همراه صدای آن بخش در 'برنامه فایل‌میکر' ۷ قرار داده می‌شود. برای هر نمونه از خوداصلاحی‌ها یک سابقه و شماره واحدی وجود دارد و مشخصه‌های مربوط به آن کدگذاری می‌شود. مجموعاً ۵۰۰ نمونه به این طریق تجزیه و تحلیل می‌شوند که به عنوان "نمونه‌های کدگذاری شده" در این رساله مطرح‌اند.

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها در فصل چهارم (ساختار خوداصلاحی) و پنجم (عملکردهای خوداصلاحی)، در فصل ششم، نتایج این تحقیق عنوان می‌شوند: از ۵۰۰ نمونه بررسی شده، بازیابی ساده با ۲۰۰ مورد در مقام اول، جایگزینی ساده با ۱۰۰ مورد در مقام دوم، 'افزایش' با ۹۹ مورد در مقام سوم، جایگزینی قابداری با ۵۹ مورد در مقام چهارم و تولید دوباره ساده با ۱۵ مورد، حذف با ۱۴ مورد و تولید دوباره قابداری با ۹ مورد از نظر تعداد و درصد رخداد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در این زبان، هیچگونه خوداصلاحی ساختوازی اتفاق نیفتاده و جایگزینی هم به صورت بی‌قاب و هم به صورت قابداری رخ داده که از نظر تعداد و درصد، شکل ساده آن مرجح است. هیچ موردی در خصوص عملکردهای اصلاحی افزایش و حذف ثبت نشد که بدون بازیابی باشد. این فرضیه که قلمرو بازیابی در سطح بند است، رد شد. زیرا از تعداد ۵۰۰ نمونه، ۴۴۹ مورد در سطح سازه و فقط ۵۱ مورد به صورت ترکیبی رخ داده که از این تعداد فقط در چهار مورد فعل با نهاد ترکیب شده است. و آخر اینکه، 'الگوهای خوداصلاحی' در زبان فارسی تحت تأثیر 'ویژگی‌های رده‌شناختی' این زبان قرار ندارند.

کلیدواژه‌ها:

خوداصلاحی، قسمت تشخیص اصلاح، قسمت نیاز به اصلاح، قسمت در حال اصلاح، بازیابی



## جدول‌های نشانه‌های آوایی

جدول شماره ۱ نشانه‌های آوایی برای آوانگاری واژه‌های زبان فارسی و جدول شماره ۲

نشانه‌های آوایی برای آوانگاری همخوان‌های زبان فارسی است.

جدول شماره ۱ نشانه‌های آوایی برای آوانگاری واژه‌های ساده و مرکب زبان فارسی

Symbol	az in Persian
a	'abr
â	'âb
e	deh
i	'injâ
o	to
u	dur
ow	mowz

جدول شماره ۲ نشانه‌های آوایی برای آوانگاری همخوان‌های زبان فارسی

Symbol	as in Persian
b	bad
č	čerâ
d	dar
f	barf
g	guš
h	honar
j	jân
k	kojâ
l	lab
m	man
n	nân

p	pâ
q	qâšoq
r	raft
s	susk
š	šeš
t	taxt
v	vâm
w	now
x	xâne
y	yâdegâri
z	zud
ž	žâle
'	sa'di, 'âb, 'abr

## فهرست نشانه‌ها<sup>1</sup>

نشانه	مفهوم
.hhh	دم
hhh.	بازدم
hhh	مشخص نبودن دم و بازدم
_____	در زیر واژه به نشانه تکیه
}	آغاز قسمت نیاز به اصلاح
{	پایان قسمت نیاز به اصلاح
[ ]	محل قرار دادن واژه انگلیسی بدون تصریف در داده‌ها و محل اضافه کردن بخشی از گفتار که می‌خواسته بیان شود ولی به دلیل تشخیص اصلاح بیان نشده‌است.
>	آغاز مرز قسمت در حال اصلاح
<	پایان مرز قسمت در حال اصلاح
(( ))	محل قراردادن صداهاى غیرزبانى
*	نشانگر محل دقیق اصلاح
/	برای نشان دادن آغاز و پایان همپوشی
=.	برای نشان دادن عدم وجود مکث بین دو نوبت

<sup>1</sup> - در اینجا فقط به نشانه‌ها و علائمی اشاره می‌شود که در داده‌های این مطالعه بکاررفته است. دیگر نشانه‌های مربوط به دیگر تحقیق‌ها در همان قسمت مربوط به خود توضیح داده شده‌اند.

# فصل اول

## مقدمه

## ۱- خوداصلاحی

در این رساله قصد بر این است تا 'سازمان خوداصلاحی' در محاوره زبان فارسی مطالعه شود. وقتی 'مشارکین'<sup>۱</sup> در گفتگوی تعاملی با نارسائی‌هایی مواجه می‌شوند، یکی از آنها سعی می‌کند به طریقی آنرا حل نماید تا گفتگو به روند طبیعی خود ادامه یابد. این مطالعات جنبه‌های علمی گوناگونی را دربرمی‌گیرد. برای نمونه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان به تحقیق در باره 'خطاهای گفتار'<sup>۲</sup> می‌پردازند تا فرضیه خود را در مورد زبان و رفتار زبانی محک‌بزنند. مطالعه در باره 'لغزشهای زبانی'<sup>۳</sup> از این نوعند. در این تحقیق‌ها فقط به خصوصیات زبان‌شناختی 'خطاها' پرداخته می‌شود، و به اینکه چگونه مشارکین با این 'خطاها' برخورد می‌نمایند، کاری ندارد. محقق خطاهایی را که دانش‌آموزان در پاسخ‌های شفاهی به سؤال‌های معلم در کلاس زبان مرتکب می‌شوند، بررسی می‌کند. هر چند که در این بررسی‌ها از داده‌های صوتی یا تصویری استفاده می‌شود، اما نمونه‌های 'خطا' و 'تصحیح'<sup>۴</sup> آنها صرفاً به منظور تجزیه و تحلیل آماری مشخص می‌گردند و در مقوله‌های جداگانه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. به عبارت دیگر، فرایند 'توالی' که در آنها 'خطا' رخ می‌دهد و سپس 'تصحیح' می‌شود، ارتباطی به این قبیل مطالعات ندارد. هر نمونه 'خطا' یا 'تصحیح'، مستقل از هر آنچه که قبل یا بعد آن اتفاق افتاده، بررسی می‌شود.

---

<sup>1</sup> -participants

<sup>2</sup> -speech errors

<sup>3</sup> -slips of the tongue

<sup>4</sup> - correction

از طرف دیگر تجزیه و تحلیل گره‌های گفتگو، 'خطا' و به طبع آن 'تصحیح' را به عنوان زیر مجموعه‌ای از پدیده کلی‌تر یعنی 'اصلاح گفتگویی'<sup>۱</sup> در نظری می‌گیرند که لزوماً فقط به عملکرد 'خطاها' نمی‌پردازد. روشهایی که مشارکین در برخورد با مشکلات موجود در گفتگوی تعاملی بکار می‌برند، نظام‌مند و قابل توصیف هستند. بنابراین، آنها حوزه وسیع‌تری را برای مطالعه "مسائل جاری در صحبت کردن، شنیدن و فهمیدن" (شگلف<sup>۲</sup>، جفرسن<sup>۳</sup> و ساکس<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷:۳۶۱) مورد خطاب قرار می‌دهند. آنها به روش‌های نظام‌مندی اشاره می‌کنند که مشارکین با کمک آن روش‌ها، درصد حل مشکلات و مسائل موجود در گفتگوی تعاملی برمی‌آیند. به این کار مشارکین 'اصلاح'<sup>۵</sup> گویند.

'اصلاح' پدیده‌ای است رایج در کلام محاوره‌ای که در آن یک یا چند نفر از 'مشارکین' سعی دارند تا اختلال محسوس موجود در گفتار را به طریقی برطرف نمایند. 'اصلاح' ممکن است یا توسط گوینده‌ای که آن اختلال را تولید کرده، به انجام برسد که به آن 'خوداصلاحی'<sup>۶</sup> گویند یا ممکن است توسط 'مشارکین' دیگر به انجام برسد که به آن 'دیگراصلاحی'<sup>۷</sup> گویند (شگلف، جفرسن و ساکس ۱۹۷۷:۳۶۱). همچنین از لحاظ اینکه چه کسی آنرا تشخیص دهد تمایزاتی وجود دارد. اصلاح یا توسط گوینده آن یا توسط مشارکین دیگر تشخیص داده می‌شود. به نوع اول 'اصلاح خودتشخیصی'<sup>۸</sup> و به نوع دوم 'اصلاح دیگرتشخیصی'<sup>۹</sup> گویند. 'اصلاح خودتشخیصی' یا در درون 'همان نوبت'<sup>۱۰</sup> که محل اختلال بوده، اتفاق می‌افتد یا بندرت امکان دارد که گوینده اختلال، اصلاح را در 'نوبت بعدی'<sup>۱۱</sup> تشخیص دهد. 'اصلاح دیگرتشخیصی' هنگامی اتفاق می‌افتد که مشارکی، بجز گوینده آن اختلال، تشخیص دهد که اختلالی صورت گرفته است. این ممکن

---

<sup>1</sup> -conversational repair

<sup>2</sup> -Schegloff

<sup>3</sup> -Jefferson

<sup>4</sup> -Sacks

<sup>5</sup> -repair

<sup>6</sup> -self-repair

<sup>7</sup> -other-repair

<sup>8</sup> -self-initiated repair

<sup>9</sup> -other-initiated repair

<sup>10</sup> -same-turn

<sup>11</sup> -next turn

است یا به 'خوداصلاحی دیگر تشخیصی'<sup>۱</sup> منتج شود که در این حالت گوینده اختلال، اصلاح را در نوبت بعدی، خود به انجام می‌رساند و یا 'دیگراصلاحی'<sup>۲</sup> باشد که همان تشخیص‌دهنده اختلال، خود نیز اصلاح را به انجام می‌رساند که در این صورت به آن 'دیگراصلاحی دیگر تشخیصی'<sup>۳</sup> گویند.

'خوداصلاحی خود تشخیصی در همان نوبت'<sup>۴</sup> به اصلاحی گفته می‌شود که گوینده در درون یک 'واحد ساختاری نوبت'<sup>۵</sup> در حال تولید، اصلاحی را تشخیص دهد و در همان واحد آنرا به انجام رساند (شگلف ۱۹۸۷). در این عملکرد که با فرایندهای آوایی و واژی- نحوی انجام می‌گیرد و اکثر اوقات با نشانه‌های تشخیص همراه است، به گوینده این اجازه را می‌دهد تا صحبت خود را متوقف کند و به طریقی آنرا تغییر دهد. این نوع 'خوداصلاحی'<sup>۶</sup> در نظام بزرگتر 'اصلاح'<sup>۷</sup> قرار دارد (شگلف، جفرسن و ساکس ۱۹۷۷:۳۶۱). آنها در همان صفحه توضیح داده‌اند که خوداصلاحی با توجه به ارتباط ساختاری آن در بین دیگر انواع اصلاح ارجح شناخته می‌شود. 'خوداصلاحی'<sup>۸</sup> در مکالمات طبیعی از بسامد بالایی برخوردار است و به دلیل اینکه در درون نوبت گوینده آن اتفاق می‌افتد، مورد علاقه زبان‌شناسان است. در حالیکه دیگر انواع اصلاح بیشتر توسط جامعه‌شناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این رساله با تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از خوداصلاحی در پیکره گفتگوهای طبیعی زبان فارسی، انواع مختلف 'عملکردهای خوداصلاحی'<sup>۹</sup> (مربوط به 'بازیابی'<sup>۱۰</sup> و 'جایگزینی'<sup>۱۱</sup>) بسامد و توزیع آنها بررسی می‌شود.<sup>۸</sup> برای مثال، در گفتگوی زیر نمونه‌ای از 'خوداصلاحی خود تشخیصی در همان نوبت'<sup>۹</sup> رخ داده است.

<sup>1</sup>- other-initiated self-repair

<sup>2</sup>-other-initiated other-repair

<sup>3</sup> - به منظور اطلاع کامل از انواع اصلاح به ۱-۳-۲-۱-۳ مراجعه شود.

<sup>4</sup>-same-turn self-initiated self-repair

<sup>5</sup>- turn constructional unit

<sup>6</sup>-recycling

<sup>7</sup>-replacement

<sup>8</sup> -به منظور اطلاع کامل از طریقه گردآوری پیکره و تجزیه و تحلیل داده‌ها به فصل ۳ مراجعه شود.

<sup>9</sup> - عملکرد اصلاحی این نمونه 'افزایش'<sup>۱۰</sup> + 'پسبازیابی'<sup>۱۱</sup> است که در فصل ۵ به صورت کامل تشریح می‌شود.

(1-1)FileMaker 99.Fa-6345,line:886

B(m): 'âre. {bâ buje\*} hhh. 'âxe bâ buje tasvib beše:

A(m): 'âre.

B(m): tâ bedunan ke čeqadr buje dâran ke hoquqâro bedan.

در این نمونه، مشارک B(m) به عنوان یک فرد عادی، دلیل بسته‌بودن و باز نکردن فروشگاه‌ها و دیگر مراکز تفریحی توریستی شهر ... را بیان می‌کند. او جریان نوبت خود را در buje قطع می‌کند و سپس با عملکردهای اصلاحی (افزودن 'âxe و تکرار فعل کمکی bâ (=bâyad) و اسم buje) به سخن خود ادامه می‌دهد.

خوداصلاحی یک 'واحد ساختاری نوبت' دارای 'دستور'<sup>۲</sup> است (یسپرسن<sup>۳</sup> ۱۹۲۴؛ مکی<sup>۴</sup> و آزگود<sup>۵</sup> ۱۹۵۹؛ هاکت<sup>۶</sup> ۱۹۶۷؛ شگلف، جفرسن و ساکس ۱۹۷۷؛ شگلف ۱۹۷۹؛ لولت<sup>۷</sup> ۱۹۸۲). به عبارت دیگر، خوداصلاحی تصادفی نیست و هم از نظر آوایی و هم از نظر واژی-نحوی دارای الگوست (کوپر-کوهلن<sup>۸</sup> ۱۹۹۳؛ اسپارکس<sup>۹</sup> ۱۹۹۴؛ فاکس<sup>۱۰</sup> و جاسپرسن<sup>۱۱</sup> ۱۹۹۵؛ استریک<sup>۱۲</sup> ۱۹۹۶؛ جاسپرسن ۱۹۹۸؛ ریگر<sup>۱۳</sup> ۲۰۰۰؛ اوهمن<sup>۱۴</sup> ۲۰۰۱؛ اگبرت<sup>۱۵</sup> ۲۰۰۲).

---

<sup>۱</sup> - برای نشان دادن مشارکین بصورت ناشناس از حروف اول نام آنها در پیکره استفاده می‌شود. بعد از حرف اول نام گوینده، حرف m و f در داخل پرانتز قرار داده می‌شود که m دلالت بر مذکر و f دلالت بر مؤنث بودن گوینده دارد.

<sup>۲</sup> -grammar

<sup>۳</sup> -Jespersen

<sup>۴</sup> -Maclay

<sup>۵</sup> - Osgood

<sup>۶</sup> - Hockett

<sup>۷</sup> - Levelt

<sup>۸</sup> -Couper-Kuhlen

<sup>۹</sup> -Sparks

<sup>۱۰</sup> -Fox

<sup>۱۱</sup> -Jespersen

<sup>۱۲</sup> -Streeck

<sup>۱۳</sup> -Rieger

<sup>۱۴</sup> - Uhmman

<sup>۱۵</sup> -Egbert



شگلف (۱۹۷۹) در مورد ضرورت مطالعه و همچنین درک 'اصلاح' و 'نحو' با یکدیگر، بحث کرده است. زیرا هم 'نحو' با 'اصلاح' و هم 'اصلاح' با 'نحو' در ارتباط است. ارتباط 'نحو' با 'اصلاح' در این است که اگرچه 'اصلاح' بی‌نظم و مختل‌کننده به نظر می‌رسد، اما درحقیقت از نظم و هدف خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، 'عملکردهای اصلاح' بر اساس 'قواعد نحوی' صورت می‌پذیرند و انجام آن بی‌دلیل و هدف نیست. 'اصلاح' نیز از این نظر با 'نحو' در ارتباط است که می‌تواند بر 'پیوستگی'<sup>۱</sup> و نظم عناصر درون جملات اثرگذار باشد و کلاً در حیطه 'نحو' قرار گیرد. فاکس و جاسپرسن (۱۹۹۵:۸۶) بیان می‌کنند یکی از مشخصه‌های مهم اصلاح این است که وقتی 'پاره گفتاری' را که 'اصلاح' در آن رخ داده به صورت یک کل نگاه کنیم، از نظر دستوری کاملاً ناپذیرفته است، ولی در بافت پردازشی کلام زمان واقعی که رخ می‌دهند، به عنوان عامل 'پیوستگی' و 'قابل‌پذیرش بودن'<sup>۲</sup> آن واحد ساختاری در نوبت‌ها محسوب می‌شود. این بدین معناست که اصلاح یا بخش جدایی‌ناپذیر دستور است یا پدیده‌ای مرتبط و همراه دستور که در ارتباط تنگاتنگی با آن به تولید و درک زبان طبیعی می‌پردازند. فاکس و جاسپرسن (۸۴-۱۹۹۵:۸۲) با استفاده از مباحث شگلف (۱۹۷۹ و ۱۹۸۷) ارتباط دوسویه 'خوداصلاحی' و 'نحو' را با بیان نمونه‌ای از داده‌های زبان انگلیسی چنین بیان می‌کنند:

(1-2) H: .hh And [tshe-\*] **this girl**'s fixed up on [a da-\*] **a blind da:te**.

در این پاره گفتار دو تبدیل مهم رخ داده است: تبدیل ضمیر فاعلی she به گروه اسمی this girl و تبدیل 'اسم تعریف‌نشده'<sup>۳</sup> a date به 'اسم تعریف‌شده'<sup>۴</sup> a blind date. توزیع و کاربرد ضمائر و گروه‌های اسمی یک موضوع مهم و معتبری برای بررسی نحوی است و تبدیل هر کدام به دیگری یک مسئله نحوی محسوب می‌شود. "اگر نحو به عنوان نظام یا مجموعه‌هایی از نظام، عناصر یک پاره گفتار را به یکدیگر و یا به عناصری در پاره گفتارهای دیگر (در زبان شفاهی که این عناصر به صورت متوالی در یک زنجیره تولید می‌شوند) ربط می‌دهد، بنابراین اصلاح، که

---

1- coherence  
 2- acceptability  
 3- unmodified noun  
 4- modified noun

ترتیب نسبی این عناصر را در زنجیره دستکاری می‌کند، باید با نحو در ارتباط باشد (فاکس و جاسپرسن ۱۹۹۵:۸۲). از طرفی دیگر، مخاطب یا تجزیه و تحلیل‌گر چگونه متوجه می‌شود که گروه اسمی *this girl* جایگزین ضمیر *she* شده و ادامه آن نیست. بنابراین درک این مطلب تا حدی به دانش وی نسبت به الگوهای نحوی زبانش برمی‌گردد. این نشان می‌دهد که اصلاح باید بر اساس نحو و بوسیله نحو صورت‌پذیرد. نحو نیز نمی‌تواند بدون اصلاح به کار خود ادامه دهد. یکی از مواردی که نحو به اصلاح نیاز دارد، زمانیست که مخاطب پایان نوبت 'گوینده فعلی'<sup>۱</sup> را به درستی پیش‌بینی نمی‌کند و همزمان با او شروع به صحبت می‌کند که در اثر این، 'همپوشی'<sup>۲</sup> ایجاد می‌شود. در این موقعیت هر چند که یکی از آنها باید از ادامه صحبت خود منصرف شود، ولی گاهی ممکن است هر دو همزمان به صحبت خود ادامه دهند یا بر عکس هر دو همزمان از ادامه صحبت منصرف شوند. بنابراین باید راه حلی وجود داشته باشد که هر آنچه را که در همپوشی اتفاق افتاده و به خوبی شنیده نشده، دوباره به روشنی و وضوح بیان کنند و سپس به گفتگوی خود ادامه دهند. یا حتی ممکن است در حین صحبت گوینده، مشارک دیگر بخواهد اختطاری را گوشزد نماید و با این کار همپوشی یا وقفه‌ای ایجاد نماید. در نتیجه، در این موارد حداقل نوعی 'اصلاح' برای تکرار آن قسمت از پاره گفتار که ممکن است بوضوح بیان نشده باشد، بکار می‌آید. در هنگام گفتگو حتی ممکن است، طبق گفته شگلف (۱۹۷۹) عاملی از قبیل رعده و برق، صدای زنگ تلفن، گریه بچه یا هر عامل بیرونی دیگری منجر به قطع صحبت شود و بنابراین باید راه حلی برای بیان دوباره قسمتی که به خوبی شنیده نشده، وجود داشته باشد. بنابراین هیچ گفتگویی بدون امکان اصلاح نمی‌تواند وجود داشته باشد. "نحو به عنوان بخشی اساسی از سازمان خود باید امکان اصلاح را مجاز بداند. بنابراین مهم است که زبان‌شناسان نحو اصلاح را کشف نمایند تا ما بتوانیم سازمان آنرا بهتر درک کنیم" (فاکس و جاسپرسن ۱۹۹۵:۸۴).

برای روشن شدن بحث، نمونه‌های زیر از داده‌های زبان فارسی ارائه می‌شود:

(1-3) *Farsi 6, line 287-288*

A(f): /ye 'eddašunam bâ:z miran/ zanâye xeyli sene 'az xodešun kamtar

<sup>1</sup> -current speaker

<sup>2</sup> - overlap

migiran. /masalan-/

S(f): /'unâyiyam/ ke/: (.) 'unâyi ke bozorg hastan/

R(f): /na.'unâyim ke sennešun rafte- jâlebe ke-/ jâlebe ke pesarâyi ke (.25)  
/be bisto hašt noh sâl yâ si sâl be bâlâ hhh./

A(f): / (unclrear) 'âre.ye doxtare punz/dah sâle /migiran./

در نمونه ۱-۳، S هر چند که اتمام صحبت A را به درستی پیش‌بینی می‌کند، ولی A بعد از اتمام 'واحد ساختاری نوبت' خود با بیان کلمه masalan قصد ادامه صحبت و شروع 'واحد ساختاری نوبت' دیگری را دارد که با آغاز 'واحد ساختاری نوبت' S همپوشی ایجاد می‌شود. در این وضع، A از ادامه نوبت خویش منصرف می‌شود و S به دلیل بیان واضح آغاز نوبت خود، اقدام به عملکرد اصلاحی بازبایی می‌کند.<sup>۱</sup> تا با بیان واضح آغاز نوبت خویش، رشته کلام را به دست‌گیرد که R با بیان na و رد گفته‌های گوینده‌های در حال صحبت 'واحد ساختاری نوبت' 'unâyim ke sennešun rafte- را در همپوشی آغاز می‌کند و ناتمام آنرا رهامی‌سازد و اقدام به بیان 'واحد ساختاری نوبت' دیگری با jâlebe ke می‌کند و بعد از اینکه از همپوشی خارج می‌شود، آغاز نوبت خویش را بازبایی می‌کند تا ضمن بیان واضح نوبت خویش رشته سخن را به دست‌گرفته و ادامه‌دهد. در این حال S از ادامه صحبت منصرف می‌شود. هر چند که ادامه صحبت از R هم گرفته می‌شود.<sup>۲</sup>

(1-4)CD1386910D,line:158-160

Dr.(m): man 'ehsâs mikonam ke yeki kambude 'inke b:: vaqt dâran  
baččehâ.'akasare 'e du: dustâni ke **dar m- mohithâye**

Mojri(m): bale. vaqtemunam migam ke: /se daq/iqas hehehe he/he/

Dr.(m): /'âmuzeši/ /'e/ bale.  
**dar mohithâye 'âmuzeši** 'omdatan baččehâ bâ moškele tahsili movâjeh hastan va  
xodešun ro hamâhang nemitunan bekonan bâ mohit (.37) mohite 'âmuzeši dar 'e  
madrese.

<sup>۱</sup> - به این نوع بازبایی که در آن حذف yam=ham نیز رخ داده، پیرابازبایی + حذف (circumrecycle+delete) گویند.

<sup>۲</sup> - خطوط مورب بر آغاز و پایان همپوشی دلالت دارند.

در نمونه ۴-۱ مجری تمام شدن وقت گفتگو را به آقای دکتر، که در حال صحبت کردن است، گوشزد می کند که در اثر این کار در صحبت آقای دکتر وقفه ایجاد می شود. پس از وقفه ای کوتاه، آقای دکتر به صحبت خود ادامه می دهد که قسمت 'amuzeši' نیز در همپوشی ادامی شود. پس از اتمام اختار و خنده های مجری، چون آقای دکتر احساس می کند بیانش به دلیل ایجاد وقفه و همچنین همپوشی به وضوح بیان نشده، با گفتن bale اختار مجری را تأیید می کند و از ابتدای گروه حرف اضافه 'amuzeši dar mohithâye' عملکرد اصلاحی بازیابی را به انجام می رساند.

(1-5) Fa-6513, line: 765-766

F(m):man:: nevešte'am yek 'e šomâre behem dâdano vaqt dâdan ke nim sâ'at har či xâsti bâ har kas xâsti sohbat kon. 'ino:: mahremâne negah midârim (.5) va dar bâreye zabun- za- 'albatte zabâne (.5) 'e:: (2.8(another voice) 'e: 'ar: či- (1.2) 'e: zabune (.37) 'arbiyo (1) 'e:: 'espâniyâyiyo, (.45) 'âlmâniyo, (.45) mesriyo (.58) nemedu- fârsiyo

در ۵-۱، F در zabun بندش ایجاد می کند تا وابسته مناسبی به آن بیفزاید و به محض اینکه قصد تکرار zabân را دارد در آغاز آن بندش ایجاد می کند تا قید 'albatte را به ابتدا اضافه نماید. پس از انجام این کار یعنی افزودن 'albatte و بازیابی zabun به صورت zabân و افزودن کسره اضافه پنج دهم ثانیه مکث می کند و از 'مکث پر شده' <sup>۱</sup> 'e نیز به همراه کشش صدا استفاده می کند تا وابسته مناسب را جستجو کند<sup>۲</sup>. در همین حین صدای شخص ثالثی (به مدت حدود سه ثانیه) از پشت خط شنیده می شود. F که با اتمام صدای شخص ثالث و بکاربردن دوباره 'مکث پر شده' و کشش، وابسته یا وابسته ها را پیدامی کند و به محض قصد بیان آنها، اصلاحی را در [ar'abi] تشخیص می دهد و بنابراین اقدام به عملکرد اصلاحی بازیابی می کند. کشش در [ar:abi] بکاربردن واژه استفهام či و بندش - بعد آن، مکث یک و دو دهم ثانیه، مکث پر شده 'e به همراه کشش، همگی نشانه های تشخیص اصلاح توسط گوینده آن است. zabune 'arbi (.37) 'قسمت در حال اصلاح'<sup>۳</sup> این عملکرد اصلاحی است.

<sup>1</sup> -filled pause

<sup>2</sup> - به این عملکرد 'جستجوی واژه' word search گویند که به موضوعات مورد بحث این رساله مربوط نمی شود.

<sup>3</sup> -repairing segment